



بررسی تطبیقی ماهیت و آثار شبهات رافع مجازات در فقه، نظام کیفری ایران و آمریکا

هادی رهبری^۱

علی صفاری^۲

سید مصطفی محقق داماد^۳

محمد آشوری^۴

محمد علی مهدوی ثابت^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۳

چکیده

یکی از موانع تحقق جرم و مسئولیت کیفری، وجود شبهات حکمی و موضوعی نزد متهم و نیز شبهات قاضی در احراز وقوع جرم است. این امر که در حقوق اسلامی تحت عنوان قاعده درا از آن یاد می شود به این معنا است که چنانچه مرتکب نسبت به حکم یا موضوع جرم دچار شبهه گردد و یا قاضی در احراز وقوع جرم و انتساب آن به متهم دچار شک و شبهه شود، مسئولیت کیفری و نیز صدور حکم مجازات منتفی خواهد بود. در این مقاله سعی شده تا جایگاه این نهاد و نیز ظرفیتها و کارکردهای آن در نظام کیفری ایران و معادل آن در حقوق کیفری آمریکا به همراه نقاط اشتراک و تفاوت آن مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر به جهت روشن تر شدن جایگاه و مجاری شبهات متهم و قاضی، نسبت و تعامل این مفهوم با اصول کیفری مشابه نظیر برائت و تفسیر به نفع متهم که از یکدیگر متمایز می باشند، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. هدف از تالیف این

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hadirahbari.law@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد راهنمای اول و نویسنده مسئول): alisaffary2020@gmail.com

^۳ استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (استاد راهنمای دوم): mdamad@ias.ac.ir

^۴ استاد گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور): m-ashouri@srbiau.ac.ir

^۵ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور): m-mahdavisabet@srbiau.ac.ir

مقاله بازشناسی مفهوم شبهات و آثار آن با رویکرد تطبیقی است تا از رهگذر این شناخت، پاره‌ای از نقص‌ها و خلاءهای موجود در نظام کیفری ایران مرتفع گردد و مقررات جزایی در این حوزه مورد اصلاح قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

قاعده در، شبهه حکمی، شبهه موضوعی، سقوط مجازات، مسئولیت کیفری.

مقدمه

در میان زیر مجموعه‌های دانش حقوق، حقوق کیفری به جهت ارتباط تنگاتنگی که با حقوق و آزادی‌های فردی و بنیادین دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. چه آنکه مقوله جرم انگاری و نیز مجازات که سالب و محدود کننده حقوق و آزادی‌های فردی است به عنوان یکی از روش‌های اعمال حاکمیت جهت برقراری نظم و عدالت محسوب می‌شود. از این رو مطالعه دقیق عناصر و اجزاء تشکیل دهنده جرم و تحقق مسئولیت کیفری از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از مسائلی که به رغم اهمیت و موقعیت خاص آن در فقه و حقوق، کمتر مورد توجه و عنایت قرار گرفته و ضرورت دارد که مورد باز اندیشی و تأمل قرار گیرد، مقوله شبهات حکمی و موضوعی و نیز شک قاضی در فرآیند احراز وقوع جرم است. جایگاه شبهاتی که بر قاضی در مقام دادرسی و احراز مجرمیت عارض می‌گردد در قالب اصول و قواعدی نظیر برائت و تفسیر به نفع متهم قابل مشاهده است. در حالیکه میان این قواعد تفاوت‌ها و وجوه تمایز آشکاری نیز وجود دارد. لذا تبیین محتوای شبهات قضایی و جایگاه آن میان اصول حقوق کیفری، مساله‌ای راهبردی و اساسی است. در این مقاله سعی شده است تا ابتدا مبانی نظری شبهات و مستندات آن در حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه نیز کارکردها و قلمرو و تاثیرگذاری شبهات به عنوان امری که نزد متهم وجود داشته و نیز به عنوان مساله‌ای که قاضی در مقام رسیدگی و صدور حکم با آن مواجه است، به صورت تطبیقی با نظام کیفری آمریکا، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

۱- مبانی نظری مفهوم شبهات حکمی و موضوعی و منابع آن

بی‌شک هر مفهوم یا نهاد حقوقی دارای مبانی و خاستگاه‌های نظری و فکری است که بدون شناخت و تحلیل دقیق آنها، امکان درک روشنی از ماهیت آن نهادها یا قواعد وجود ندارد. مقوله شبهات نیز از این امر مستثنی نیست. لذا ابتدا باید مبانی و مبادی فکری و نظری آن به گونه

ای صحیح شناخته و بیان گردد و پس از آن مستندات آن در قوانین کیفری مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱- مبانی توجیهی شبهات

در مقام توجیه مفهوم شبهات و تاثیرگذاری آن می توان به سه مبنای مهم اشاره کرد. نخستین مبنا این است که اصولاً عقاب فرد نا آگاه و بی اطلاع به حکم و موضوع امری ظالمانه و مغایر با عدالت است. زیرا فردی که نسبت به حکم و موضوع جرم فاقد علم و آگاهی باشد، اساساً فاقد سوء نیت است. لذا به همین جهت، مجازات وی ناعادلانه است.

دومین مبنای توجیهی شبهات به عنوان یک مانع تحقق جرم و مسئولیت کیفری، این است که اساساً کیفر فرد جاهل فاقد اثر بازدارندگی است و عملی لغو می باشد. زیرا هدف از کیفر مآلاً بازداشتن مرتکب از تکرار رفتار مجرمانه است که این امر در مورد فرد جاهل و شخصی که فاقد شرایط مسئولیت کیفری باشد، وجود ندارد. لذا کیفر وی نمی تواند هدف فوق را تامین کند. سومین مبنائی که به نظر مؤلف می توان به عنوان توجیه اثرگذاری شبهات قضایی در فرآیند دادرسی، ذکر کرد، رعایت اصل حداقل بودن کیفر است. طبق این اصل، دامنه و قلمرو مجازات باید همواره محدودتر گردد و کیفر به عنوان آخرین راه چاره باشد. لذا در مقام شک و تردید قاضی در استحقاق کیفر متهم، اصل بر آن است که همواره حقوق و آزادی اشخاص، مصون از تعرض است و اعمال مجازات تنها به موارد ضروری منحصر می باشد.

نظیر همین مبانی نیز در نظام کیفری آمریکا وجود دارد. معادل این مفاهیم در حقوق کیفری آمریکا، دو نهاد *mistake of law* و *mistake of fact* می باشد. به این مفاهیم در قانون جزای نمونه آمریکا اشاره و تصریح شده است. قانون جزای نمونه که در سال ۱۹۶۲ توسط موسسه حقوقی آمریکا (American legal institute) تالیف و منتشر گردید، در حقیقت الگویی مشتمل بر قواعد عمومی مسئولیت کیفری، مجازات ها و دفاعیات متهم در جرائم گوناگون می باشد. این الگو تاثیر بسیار مهمی در پیش نویس قوانین موضوعه کیفری همه ایالتها داشته است. به ویژه در دهه ۱۹۷۰ نقش قابل توجهی در اصلاح قوانین جزایی آمریکا داشت. علاوه بر این امر، این قانون در تدوین و شکل گیری رویه قضایی نیز سهم به سزایی دارد.

۱-۲- مستندات فقهی و حقوقی شبهات

مهمترین دلیل و مستند شبهات متهم و نیز شبهات حاکم که منجر به دفع مجازات می‌شود، عبارت ((ادرفوا الحدود بالشبهات)) است که در منابع روائی شیعه و سنی بارها نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۶) و (صدوق، ۱۴۱۰، ص ۱۴۷) در حقوق اسلامی و در میان فرق و مذاهب اسلامی بر سر اصل این مطلب یعنی دفع کیفر به جهت نا آگاهی مرتکب به حکم و موضوع هیچ گونه اختلافی وجود ندارد. همچنین حدیث مشهور رافع نیز که به رفع عقاب از فرد جاهل و بی اطلاع دلالت دارد، یکی از مستندات این قاعده به شمار می‌آید. در قانون مجازات اسلامی نیز به روشنی به قاعده مزبور اشاره شده است.

قانونگذار در مواد ۱۲۱، ۱۲۰ قانون فوق الذکر، قاعده درأ را به عنوان یکی از عوامل مسقط مجازات نام برده است. هر چند تا پیش از آن روح و مفاد قاعده خصوصاً در باب جرائم مستوجب حد، مبنای قانونی داشت (مواد ۶۶، ۶۵، ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰)، لکن به عنوان یک قاعده عمومی جزائی تلقی نمی‌شد. همچنین مساله شبهات و ادعای آن توسط متهم در رویه قضایی ایران نیز انعکاس یافته است. به عنوان مثال در رای اصراری ۱۴-۱۳۷۷/۸/۵ در خصوص اتهام زنا، ادعای جهل به حرمت پذیرفته شده است و نیز در رای اصراری ۱۵-۱۳۷۷/۸/۱۹ در خصوص عروض شبهه، حدشرعی زنا به استناد قاعده درأ منتفی است. (مجموعه قوانین و مقررات، جرائم و مجازات‌ها، ۱۳۹۲، صص ۲۰۴ و ۲۱۲)

در حقوق کیفری آمریکا بحث اشتباهات حکمی و موضوعی و نیز صدور حکم مجازات مبتنی بر قطع و یقین قاضی در احراز وقوع جرم که در واقع مضمون و محتوای قاعده درأ می‌باشند، در قانون جزای نمونه (model penal code) و نیز رویه قضائی دیده می‌شود. طبق ماده (۳) ۲/۰۴ قانون جزای نمونه، چنانچه مرتکب از وجود قوانین موضوعه کیفری آگاه نباشد و یا آن قوانین، منتشر نگردیده باشند و به گونه متعارف و معقول دیگری نیز پیش از ارتکاب عمل مورد ادعا (فعل مجرمانه)، برای متهم شناخته نشده و در دسترس و آگاهی وی نباشد و نیز چنانچه بر اساس و به استناد نظریه تفسیری یک مقام رسمی و صالح دولتی که حق تفسیر قانون را دارد، وی مرتکب عملی شود که طبق تفسیر یادشده از قانون، آن عمل فاقدوصف کیفری و جایز تلقی گردد، از مجازات مبرا است^۱. البته شرط اساسی پذیرش جهل حکمی و موضوعی در نظام کیفری آمریکا، این است که مقنن یا دست کم رویه قضائی، «علم» را به عنوان یکی از اجزاء تشکیل دهنده عنصر روانی جرم ارتكابی مورد نظر، به رسمیت شناخته باشد (Hall, 2002, P365) البته این امر با حقوق کیفری ایران متفاوت است. زیرا اصولاً علم به عنوان یکی از اجزاء لاینفک عنصر

¹. The statute or other enactment defining the offence, is not known to the actor and hasn't been published or otherwise reasonably made available prior to conduct all alleged.

معنوی است، مگر آنکه قانون‌گذار در موارد خاصی، جهل را بی‌تأثیر بداند. در حقوق آمریکا اشتباهات موضوعی نزد متهم نیز چنانچه در حدی باشد که زائل‌کننده علم و قصدوی و یا ناشی از تقصیر مرتکب باشد، پذیرفته شده است. (Kaplin, 2001, 350)

وجه مشترک نظام کیفری ایران و آمریکا در این است که صرف ادعای اشتباه حکمی (جهل به حکم) مسموع نیست مگر آنکه متهم بتواند ثابت کند که به جهت قرار داشتن در وضعیت نا‌متعارف که غالباً امکان حصول علم برای وی وجود نداشته، مرتکب جرم شده است (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۴۶۹) زیرا علم به حکم مفروض است و خلافش باید ثابت شود (نوربها، ۱۳۸۳، ص ۵۰) و این فرض طبق مصالح عمومی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۹).

همچنین طبق ماده ۱۲/۱ قانون جزای نمونه تنها یقین و ادله قطع‌آور می‌تواند مبنای صدور حکم مجازات باشند و بدون آن، مجازات ناممکن است.

۲- اقسام شبهات و ضابطه‌های آن

مفهوم شبهه یا جهل نیز مانند غالب مفاهیم حقوقی به صور و حالات مختلفی قابل تقسیم می‌باشد لذا توجه به این تقسیم بندی و آثار مترتب بر آن و تفاوت‌های میان آنها، بسیار روشنگر خواهد بود.

۱-۲- اقسام شبهات

در یک نگاه کلی و اجمالی، شبهه به حکمی و موضوعی تقسیم می‌گردد. شبهه حکمی نیز خود به دو نوع قصوری و تقصیری تقسیم می‌گردد (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۹) به موجب این تقسیم چنانچه مرتکب تحت شرایط خاصی، قدرت تحصیل علم را نداشته باشد، جاهل قاصر و در حالتی که خود از کسب علم نسبت به وجود قانون امتناع کرده باشد، جاهل مقصر می‌باشد (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷، ص ۶۰) در شریعت اسلامی در خصوص اینکه آیا اطلاق و عموم «الشبهات» شامل تمام مصادیق جهل حکمی (قصوری و تقصیری) می‌شود یا نه، اختلاف نظر وجود دارد لکن دیدگاه شمول قوی تر و مقرون به واقع است. (شهید ثانی، ۱۴۱۱، ص ۳۲۸) نظیر چنین تقسیم بندی در نظام کیفری آمریکا نیز وجود دارد.

طبق قانون جزای نمونه و رویه قضایی آمریکا که مبتنی بر انصاف و عدالت عرفی است، در صورت تصویب قانون و عدم انتشار به موقع آن و نیز عدم طی تشریفات ابلاغ، چنانچه شخصی مرتکب جرم شود و سپس ادعای جهل به قانون داشته باشد، فاقد مسئولیت کیفری است.

(Fletcher, 2006, p 252) همچنین اگر فعل یا ترک فعل مرتکب، مستند به رأی یا حکم قضائی باشد ولو آنکه آن رأی متعاقباً خلاف قانون اساسی شناخته شود، مرتکب فاقد مسئولیت کیفری است. (M.scheb, 2002, p 70)

بنابراین در حقوق آمریکا ادعای جهل به حکم اگر قصوری باشد، مسموع است (نظیر ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی). در حقوق کیفری آمریکا طبق ماده ۳-۴/۰ قانون جزای نمونه "باور فرد به اینکه رفتار به لحاظ قانونی جرم نیست، تحت شرایط ذیل می تواند به عنوان دفاع در برابر تعقیب محسوب گردد".

۱- قانون یا سایر مصوبات که جرم را تعریف می کند، برای مرتکب شناخته شده نباشد یا منتشر نشده باشد

۲- شخص براساس اظهارنظر یک مقام رسمی عمل نموده باشد که نادرستی آن بعداً معلوم گردد. این اظهارنظر باید به صورت تصمیمات یا احکام قضایی و یا دستور العمل اجرایی و یا تفسیر رسمی یک مقام دولتی که قانوناً وظیفه تفسیر و اجرای قانون تعریف کننده جرم را برعهده دارد، ارائه شود.

قسم دیگر شبهات، شبهات موضوعی است. در حقوق کیفری ایران، در خصوص این امر که اصولاً اشتباه موضوعی جزء موانع تحقق عنصر معنوی و ملاً مسئولیت کیفری است، اختلافی وجود ندارد. بلکه محل نزاع در فقه و حقوق کیفری شبهات حکمی است (ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، شبهه حکمی قصوری و تقصیری). بنابراین فرد جاهل به موضوع به جهت فقدان عنصر معنوی، اصولاً مجرم نیست. با تعمق بیشتر در حقوق کیفری آمریکا می توان چنین گفت که شبهات موضوعی، تنها زمانی به عنوان مانع تحقق جرم و مجازات تلقی می گردد که قانون گذار علم را شرط تحقق آن جرم دانسته باشد. زیرا در غیر اینصورت نمی تواند موجب برائت متهم شود. (Glanvil, 2005, p130)

مثلاً در جرم چند همسری (polygamy) این که فرد باید به وجود علقه زوجیت با همسر سابق خود علم داشته باشد، شرط نیست از این رو هیچ نوع ادعای جهل درباره آن مسموع نیست (Spark, 2006, p 105)

لذا حتی باور مرد به اینکه همسر سابقش فوت کرده یا طلاق همسر سابقش به درستی انجام شده، نمی تواند دفاعی برای وی محسوب گردد. (People V. howtman, Locall 62: p)

تنها زمانی جهل یا اشتباه می تواند یک دفاع قانونی محسوب گردد که اولاً جهل یا اشتباه زائل کننده علم و قصد و آگاهی باشد. ثانیاً قانون آن حالت روانی متأثر از اشتباه و جهل را به عنوان یک دفاع به رسمیت شناخته باشد.^۱

۲-۲- معیارها و ضوابط شبهات

پرسشی که در این مقطع وجود دارد این است که تحقق شبهه را با چه معیار و ملاکی باید سنجید؟ به عبارت دیگر، شبهه از منظر چه کسی مبنای عمل می باشد؟ آیا باید به جهل و شبهه از دیدگاه متعارف جامعه نگاه شود یا شبهه آن چیزی است که نزد مرتکب عارض شده است؟ از این رو در بحث ضابطه های شبهه دو معیار کلی وجود دارد: ۱- معیار نوعی ۲- معیار شخصی

الف - معیار نوعی

طبق این ضابطه، علم و جهل باید از نگاه جامعه مورد بررسی قرار گیرد. یعنی زمانی جهل به حکم یا موضوع می تواند مسموع و مقبول باشد، که نوع افراد جامعه و غالب آنها، نسبت به موضوع ناآگاه و بی اطلاع باشند. قانونگذار هیچ گاه به صورت روشن قاعده و ضابطه ای را در این خصوص بیان نکرده است. لذا رویه قضائی شاید بتواند در تبیین این بحث راهگشا باشد. به عنوان مثال در ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی در بحث معامله و اخفاء اموال مسروقه، قانونگذار به هر دو معیار شخصی و نوعی (قرائن اطمینان آور) اشاره کرده است. نظام کیفری آمریکا که بر اساس رویه قضائی بنا شده، در این زمینه فاقد رویه مشخص است. به عنوان مثال در پرونده برنهارد علیه گوئیس که دعوی منازعه و ضرب و جرح بوده است، پیرو ادعای متهم به نا آگاهی نسبت به آسیب پذیری موضع جرح، دادگاه چنین استدلال کرد که ملاک یک انسان متعارف و معقول باید مبنا و اساس علم مرتکب باشد. (B ernhard V.Goinues) (437.16.m.11 (1, 54)

در پرونده دیگری دادگاه استدلال کرد که چنانچه طبق توانمندیهای متعارف، امکان حصول علم برای فرد وجود داشته است، وی عالم انگاشته می شود.^۲ (U.S.A V. jewell from lafave.) (p 160)

^۱ M.P.C (2/04 (1a)

^۲ مثلاً در پرونده U.S.A V. short، در خصوص متهم به تجاوز به عنف، دادگاه به رغم باور و اعتقاد متهم مبنی بر وجود رضایت زنی که از وی شکایت کرده بود محکومیت وی را تایید کرد؛ زیرا در رویه قضائی آمریکا، علم به عدم رضایت زن شرط ضروری و لازم جرم تجاوز به عنف نیست. (U.S.A m a 4341 (1954)

در حقوق کیفری ایران طبق ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، معیار و ضابطه نوعی و متعارف در اشتباهات حکمی پذیرفته شده است، لکن در اشتباهات موضوعی قانون ساکت است و معیار خاصی را ذکر نکرده است.

ب - معیار شخصی:

طبق این ضابطه، علم و جهل امری است که دارای ماهیت روان شناختی است و باید در ذهن فرد شکل گیرد، لذا نمی توان آن را از زاویه نگاه افراد جامعه که نقشی در وقوع جرم نداشته اند، نگاه و بررسی کرد. در نصوص فقهی نیز تمایل به پذیرش معیار و ضابطه شخصی، بیشتر وجود دارد. شاید صریح ترین تعبیر را در ملاک دانستن علم شخصی، شهید دوم در مسالک الافهام دارد. وی در باب ادعای زوجیت در بحث حد زنا می گوید ((یسقط الحد با دعا الزوجیه و لا یکلف المدعی بینه و لا یمیناً و کذا بدعوی ما یصلح شبهه بالنظر الی المدعی)) (شهید دوم، ۱۴۱۹، ص ۲۵۰) یعنی حد با ادعای زوجیت ساقط می شود و مدعی اشتباه به اقامه بینه و ادای سوگند مکلف نیست و ادعای هر امری که با توجه به وضع حال و نظر به وضعیت مدعی، می تواند شبهه محسوب گردد، مسموع است. یعنی هر امری که با توجه به شرایط و موقعیت مدعی شبهه (متهم) بتواند به عنوان اشتباه محسوب گردد، نزد دادگاه مسموع است. این دیدگاه از حیث توجه به حقوق متهم و عدالت، معقول است زیرا عدالت و انصاف اقتضا می کند که شخص جاهل را عقاب نکنیم. سیاست کیفری شارع در حدود الهی نیز توجه به وضع و حال متهم است و در حقیقت به دنبال دفع مجازات می باشد.

در حقوق کیفری آمریکا نیز بعضاً در آراء مختلف صادره توسط محاکم، ضابطه شخصی پذیرفته شده است. مثلاً در پرونده ای که شخصی به سرقت چتر متعلق به دیگری محکوم شده بود، جهت محکومیت فرد به سرقت، به لزوم اعتقاد و باور صادقانه فرد به تعلق مال به خودش تصریح شده است. لذا چنانچه وی بر اساس باور شخصی به مالکیت چتر، نسبت به حمل آن اقدام کرده است، مجرم شناخته نمی شود (Clarkson, 2004, p240) همچنین در پرونده U.S.A V Jewell، دادگاه معیار شخصی را ملاک دانسته و اعلام داشته است که نباید فرد را بر اساس باور شخصی که طبق آن نسبت به محتوای محموله، بی اطلاع بوده مجازات کرد هر چند ممکن بود دیگری به محتوای آن علم داشته باشد.^۱ (Lafave, 1980, p 200)

۱. U.S.A V. Jewell s, 32, FD D697 (1976)

همچنین دادگاه در مورد مشابهی با پرونده jewell نظیر این استدلال را به کاربرد و معیار علم و جهل را از نگاه مرتکب مورد تأکید قرار داد (padfield, 2004, page 200) یکی از مصادیق بارز معیار شخصی علم و جهل در حقوق کیفری آمریکا، اشتباه و باور و یقین شخصی مدافع در برابر حمله و تجاوز است. طبق ماده ۳/۰۴ قانون جزای نمونه "به کاربردن زور برای حفاظت از شخص، مطابق مقررات این بخش و نیز ماده ۳/۰۹، موجه است، آنگاه که مرتکب باور داشته باشد چنین زوری به نحو فوری باهدف حفظ خود در برابر تجاوز و حمله ضروری است". همچنین طبق ماده ۳/۰۹ همان قانون، زمانی که مدافع (مرتکب) باور دارد که به کاربردن زور نسبت به دیگری در راستای هدف و مقصودی است که وی به آن باور دارد (یعنی دفاع از جان خویش)، در این صورت، این اعتقاد، موجب توجیه و مشروعیت عمل وی می‌باشد.

در حقوق کیفری ایران، توجه به اشتباهات موضوعی نیز بعضاً از نگاه مرتکب مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً جهل مرتکب به سمت فرد توهین شونده. (موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی) سبب می‌شود که جرم وی مشمول ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی قرار گیرد. گاهی نیز اشتباه مرتکب نسبت به موضوع جرم که ناشی از غفلت و بی‌احتیاطی است، سبب غیر عمد دانستن جرم ارتكابی می‌گردد. (شامبیانی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷) لکن علی القاعده اشتباه در موضوعات، موجب می‌شود که عمل ارتكابی جرم نباشد زیرا در فرض فقدان عنصر (روانی) اساساً جرمی واقع نشده است. همچنین در مواردی نظیر اشتباه در هویت، ادعای جهل و نا آگاهی مسموم نیست و بی تأثیر می‌باشد. (ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی). دو معیار شخصی و نوعی که پیشتر به آن اشاره شد درحقیقت ضابطه و ملاک‌هایی است که در قبول اشتباه به عنوان یکی از دفاعیات متهم می‌تواند مورد استناد قرارگیرد. (زرعت، ۱۳۸۹، ۲۷۷) البته نظام کیفری ایران دارای معیارهای متفاوتی درمقوله اشتباهات است. در برخی جرائم معیار نوعی وجود دارد مانند علم به نوعاً کشنده بودن فعل منتهی به قتل (موضوع تبصره ۱ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی) که در آن علم انسان متعارف معیار است و ادعای جهل و ناآگاهی از سوی مرتکب نسبت به کشنده بودن عمل یا موضع آسیب، امری است که باید توسط وی ثابت گردد.

از سوی دیگر در جرائم مقید به نتیجه، (ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی)، احراز قصد مرتکب یا علم وی به نتیجه ضروری است (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۲). لذا در اینگونه جرائم علم شخصی مرتکب به وقوع نتیجه یا قصد وی باید اثبات گردد.

و یا به عنوان مثال در خصوص ادعای جهل مرتکب به غیر قانونی بودن امر آمر قانونی، آگاهی، توانائی و سطح دانش و سواد مأمور ملاک است (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷). حقوق کیفری

آمریکانیز، محل تعامل و بعضا تقابل این دو معیار است. (Smith & hogan, 2005, p: 245). رویه قضایی نیز نمی‌تواند در این باره پاسخ منجز و قطعی به ما ارائه دهد (Lafave, 1980, p: 257).

۳- موقعیت و درجات شبهه

اکنون که مفهوم و جایگاه وملاک‌های شبهات بیان شد، پرسش اساسی این است که این نهاد حقوقی دارای چه مراتب و درجاتی است و چه تعاملی با عناصر سه گانه جرم دارد؟ و آیا قلمرو و کاربرد این مفهوم به عنوان یک مانع تحقق جرم و مسئولیت کیفری در جرائم گوناگون یکسان است؟

۳-۱- تعامل شبهات با عناصر سه گانه جرم

اشتباهات چه آن زمان که نزد متهم عارض می‌گردد و چه آن هنگام که قاضی در مقام دادرسی، دچار آن می‌گردد دارای نسبت و تعامل خاص خود با عناصر سه گانه جرم است. به عبارت دیگر چنانچه شبهه نسبت به " وجود قانون کیفری " باشد، در آن صورت شبهه به عنصر قانونی تعلق دارد و اگر قاضی در احراز اصل وقوع جرم دارای شبهه باشد درحقیقت شبهه در مقام احراز عنصر مادی جرم است.

اما تعامل و کاربرد اصلی شبهات، در رابطه با عنصر مادی و معنوی است. به این معنا که شک و تردید قاضی در این که آیا متهم مرتکب رفتار انتسابی شده است یا نه، ناظر به تردید در احراز وقوع جرم است. لذا شک قاضی ناشی از عدم اثبات و احراز وقوع جرم می‌باشد. عواملی که موجب شک و تردید قاضی در مقام اثبات جرم می‌گردد غالبا وجود دو عامل است. ۱- دلایل سنتی یا معنوی: مقصود از دلایل سنتی یا معنوی دلایلی هستند که به صورت کلاسیک مطرح بوده و قابلیت ارزیابی عینی ندارد و جنبه درونی و باطنی دارند نظیر شهادت و اقرار و سوگند که استناد به آنها نمی‌تواند موجب علم قطعی برای قاضی شود. در برابر آن دلایل فیزیکی و عینی وجود دارد که از جهت حصول علم برای قاضی یقین‌آورتر است نظیر کارشناسی، نظریه پزشکی قانونی ۲- تعارض دلایل: تعارض میان مدلول دلایل ابرازی نیز می‌تواند در قاضی نسبت به اصل وقوع جرم ایجاد شبهه کند و در نتیجه به صدور حکم برائت منتهی گردد. به عنوان نمونه، علامه حلی شبهه قاضی در احراز سرعت را که ناشی از ادعای مالکیت متهم نسبت به مال مسروق می‌باشد، مشمول قاعده درأ می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۰ ص ۵۵۸). در حقوق کیفری ایران نیز قاضی باید به قطع و یقین وجدانی برسد و آلا نمی‌تواند متهم را به تحمل مجازات محکوم کند لذا هرگونه شک و

تردید در وقوع عنصر مادی نیز از آن دسته شبهاتی است که دافع کیفر می‌باشد (مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳ - ۹۹). در حقیقت هر گونه شک و تردید قاضی در احراز وقوع جرم (عنصر مادی جرم) منجر به براءة متهم می‌گردد. لذا چنانچه دلایل ابرازی توسط دادستان یا شاکی نتواند مجرمیت را ثابت کند، دادگاه نمی‌تواند بدون حصول قطع و یقین به مجازات متهم رای دهد. طبق نظریه شماره ۷/۱۶۳۶ مورخ ۱۳۸۵/۳/۸ مستند علم قاضی باید قرائن و نشانه‌های واضح و روشن و علم حسی باشد که بتواند برای دادگاه مفید علم باشد. (همان، ص ۱۰۰)

در حقوق کیفری آمریکا نیز حتی اگر متهم به ارتکاب جرم اقرار کند، لکن قاضی نتواند با ادله و مستندات به وقوع آن جرم پی ببرد، حکم مجازات منتفی است. (G lozebook, 2002, p 200)

۲-۳- درجات شبهه

شبهات را می‌توان از زاویه دیگری نیز تقسیم کرد. مطابق این نگاه، جهل به دو قسم بسیط و مرکب تقسیم می‌گردد این تقسیم‌بندی دارای ریشه فقهی است و در حقوق کیفری آمریکا نیز وجود دارد، هر چند در مقررات موضوعه کیفری ایران به صراحت، انعکاس نیافته است.

جهل بسیط، به معنای جهل به غیر قانونی بودن رفتار است و به عبارت دیگر مرتکب به جواز و قانونی بودن رفتار خود یقین دارد. در مقابل، جهل مرکب وجود دارد در جهل مرکب در حقیقت ناآگاهی مرتکب جرم از دو ناآگاهی ترکیب شده است: عدم آگاهی به جواز و قانونی بودن و نیز ناآگاهی به غیر قانونی بودن رفتار یعنی مرتکب به ممنوعیت و حرمت رفتار خود ظن و گمان دارد یعنی نه بر جواز آن یقین دارد و نه بر ممنوعیت آن. آراء فقها در این باره نیز متفاوت است برخی مانند آیت الله خوئی یقین مرتکب به استحقاق داشتن خود نسبت به انجام عمل را مصداق شبهات می‌داند (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۸۹). علامه حلی نیز بر همین نظر قائل است (حلی، ۱۴۱۰، ص ۳۳) در برابر، شهید دوم ظن و گمان حلیت را جهت سقوط حدکافی می‌داند (عاملی، ۱۴۱۹، ص ۳۷۷) و (حلی، ۱۴۱۰، ص ۵۵۸) صاحب جواهر نیز یقین به حلیت یا ظن حاصل از ادله معتبر شرعی را ملاک شبهه می‌داند. (جواهر، ۱۴۱۰، ص ۲۵۳) مانند آنکه زنی به استناد اقامه شهادت دونفر شاهد عادل در خصوص فوت همسرش یا طلاق وی توسط شوهرش، با مرد دیگری ازدواج کند در حالی که وی زنده است. در چنین حالتی، شبهه زن از آنجا که مستند به ادله شرعی معتبر (بیینه) می‌باشد مسموع است (امام خمینی، ۱۴۱۰، ص ۴۵۶) البته همانگونه که

گفته شد در حقوق موضوعه، عنوان جهل مرکب یا بسیط وجود ندارد اما در نظام کیفری آمریکا، این تمایز و تصریح وجود دارد. در برخی از جرایم که به جهت تصریح قانون گذار یا رویه قضائی، علم و یقین مرتکب به موضوع، لازمه تحقق جرم می باشد، هر گونه جهلی (بسیط و مرکب) نافعی عنصر معنوی است و در نهایت هیچ جرمی واقع نشده است. به عنوان مثال در جرم ایراد ضرب و جرح به قصد تجاوز به عنف، علم مرتکب به عدم رضایت زن، شرط اساسی تحقق این جرم می باشد. البته چنانچه جهل بسیط ناشی از غفلت و مسامحه مرتکب باشد، مسموع نیست (Padfield, 2004, p 322). مثلاً در پرونده U.S.A V. Anderson دادگاه اعلام داشت که مفهوم علم و آگاهی می تواند در سطوح و وجوه مختلف از سلسله مراتب عنصر معنوی قرار گیرد و این اصطلاح را به معنای یقین تفسیر کرد. (clark son, 2004, page 240)

در نظام کیفری آمریکا جهل بسیط موضوعی خود، دارای مراتب و در جاتی است. چنانچه جهل به موضوع در فرضی باشد که متهم به رغم امکان حصول علم در غفلت و ناآگاهی خود باقی باشد به گونه ای که به جهل خود ملتفت است و به آن اذعان دارد، وی مجرم است و دارای مسئولیت کیفری می باشد. (G, Paulsen, 2007, p 150)

در مقابل، اگر جهل بسیط در جرائمی باشد که قانونگذار و رویه قضایی وجود علم را در آنها ضروری دانسته است، از آنجا که ارتکاب این جرائم بدون علم و یقین امکان پذیر نیست، لذا هر نوع جهل و به هر میزان در آن، مانع تحقق مسئولیت کیفری است. (ibid, p 151)

۳-۳ - قلمرو و کاربرد اشتباهات حکمی و موضوعی در جرائم گوناگون

پرسش اساسی این است که بروز اشتباهات حکمی و موضوعی بر کدام مرحله از مراحل فرآیند کیفری تأثیرگذار است؟ به عبارت دیگر در صورت وجود اشتباه آیا جرمی واقع نشده است؟ و یا در صورت شک و شبهه قاضی در خصوص وجود شرایط مسئولیت کیفری مانند عقل و بلوغ و اختیار، قاعده اثرگذار است و مجازات دفع می گردد؟ و در نهایت اینکه آیا روح این قاعده بر تمام جرائم حاکم است یا تنها به جرائم خاصی اختصاص دارد؟

حسب ظاهر عبارت قاعده در آنجا که بیانگر مفهوم اشتباهات باید قائل شویم که این قاعده تنها شامل حدود به معنای اخص کلمه است یعنی همان جرائم و عقوباتی که در شرع تعیین شده است (محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۳۴۴). زیرا در چنین مجازاتهایی، صرف ادعای شبهه از جانب متهم تا هنگامی که دلیل متقن و یقین آوری برخلاف آن نباشد، دافع کیفر است در نهایت در اینکه آیا تأثیر گذاری ادعای اشتباه از سوی متهم بر تمام جرائم یکسان است یا تفاوت وجود دارد، دو نظر کلی وجود دارد:

طرفداران نظر اول بر این باور هستند که پذیرش ادعای اشتباه از سوی متهم، مغایر اصول و قواعد کلی است. و شارع از باب لطف و رحمت الهی قاعده درأ را وضع کرده است لذا قاعده‌ای امتنانی است. بنابراین فقط منحصر به حدود به معنای اخص کلمه است و نمی‌توان قاعده را برای دیگر جرائم نیز تسری داد (جوهر، ۱۴۱۰، ص ۲۵۴) و (طوسی، ۱۴۳۰، ص ۵۶) در مقابل گروه دیگری از فقهاء، قاعده درأ را یک قاعده عام و آن را شامل تمام مجازات‌ها می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۱۰، ص ۳۰۰) و (فخرالمحققین، ۱۴۱۰، ص ۱۵۰) در حقوق کیفری ایران، این مطلب تا حدی متفاوت است. زیرا در جرائمی نظیر قتل و نیز کیفرهای تعزیری اصولاً اثبات موانع مسئولیت کیفری نظیر اکراه با متهم است در این گونه جرائم و برخلاف حدود که صرف ادعای اکراه دافع حد است، اثبات وجود عواملی نظیر اکراه، جنون، اضطراب با متهم است (آقائی‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰) زیرا مطابق با موازین حقوق جزا، اصل بر اختیار افراد است و ادعای اکراه باید ثابت شد (گلدوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷) در حالی که در حدود شرعی، صرف ادعای اکراه دافع کیفر است (خوئی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۹)

در حقوق کیفری آمریکا وجود اشتباه زمانی مؤثر خواهد بود که آن جهل یا اشتباه نافی عنصر معنوی لازم برای آن جرم باشد (Kaplan, 2001, p 200) همچنین هنگامی اشتباه می‌تواند مانع تحقق جرم باشد که علم جزء لاینفک عنصر روانی آن جرم باشد و از سوی دیگر اثبات باور و اعتقاد معقول و متعارف متهم به قانونی بودن رفتار خود امری است که خود باید از عهده اثبات آن برآید (Lafave, 1980, p: 150) مثلاً اگر فرد متهم به قتل، ادعا کند که در مقام دفاع مشروع از خود و در تشخیص و درک خطر و ضرورت دفاع یا تناسب حمله دفاع اشتباه کرده است، باید این امر را ثابت کند. لذا در نظام کیفری آمریکا، مبحث اشتباهات به به نحو یکسان، شامل تمام عناوین مجرمانه نیست و نمی‌توان از آن به عنوان یک قاعده ثابت و مشترک در همه جرائم یاد کرد (Ormerd, 2012, p. 30). البته تشخیص اشتباه یا باور معقول، امری است که محل اختلاف است زیرا این ادعا زمانی به عنوان یک دفاع از جانب متهم قابل استناد است که وی بتواند وجود چنین باور و یقین شخصی را نسبت به جایز بودن عمل ارتكابی خود اثبات کند. در نظام کیفری آمریکا اصل کلی این است که اثبات وجود موانع مسئولیت کیفری نظیر اکراه و اضطراب با متهم است (Padfiled, 2004, p: 200) البته در عنصر معنوی لازم جهت تحقق جرائمی که مستوجب اعدام است نظیر قتل عمد، علم و عمد شرط است. لذا با وجود کمترین شبهه از سوی متهم یا قاضی، دادستان مکلف است که دلایل مثبت اتهام را ارائه دهد و با ادله قوی‌تر اتهام را ثابت کند.

زیرا در قتل عمدی درجه اول، احراز علم و یقین مرتکب به موضوع (مجنی علیه) و شرایط و اوصاف جرم، ضروری و قطعی است (Fletcher, 2006, p: 200).
در مقابل، جرائم مستوجب حبس نظیر جنحه‌ها (misdemeanor) و یا جرائم با مسئولیت مطلق (Strict liability) ادعای اشتباه بی‌تأثیر است و یا در مواردی می‌تواند موجب اعمال تخفیف از سوی دادگاه یا هیأت منصفه گردد (w.nebuari, 2007, p: 756).

۴- نسبت و تعامل شبهات قضایی با اصول حقوق کیفری

پس از بیان مفهوم اشتباهات و موجبات شک و تردید قاضی و نقش آن در فرآیند اثبات جرم و دادرسی، پرسش اساسی این است که مجرای این شبهات چیست؟ به عبارت دیگر شبهات قضایی در مقام دادرسی و احراز جرم در قالب چه اصول و قواعدی بروز و ظهور پیدا کرده و جریان می‌یابد؟ در این فراز از مقاله به اصول و قواعدی از حقوق کیفری اشاره می‌گردد که هر یک به نوعی می‌تواند محمل و بستر شبهات قرار گیرد.

۴-۱- شبهات و اصل قانونی بودن جرم و مجازات

در مقام بررسی تعامل این اصل با اشتباهات قاضی، چندمسأله حائز اهمیت است. طبق اصل یاد شده، جرم‌انگاری مستلزم وجود نص قانونی است و تا هنگامی که فعل یا ترک فعل توسط مقنن جرم‌انگاری نشده است، آن رفتار جرم نمی‌باشد. بنابراین اگر شک ناشی از فقدان نص قانونی باشد، در این صورت باید به وحدت مجرای شبهات قضایی و اصل قانونی بودن جرم و مجازات قائل شویم اما با نگاه دقیق‌تر می‌توان به تفاوت این اصل با مقوله اشتباهات عارض نزد متهم قائل شد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در جایی است که در نفس جرم بودن رفتاری شک و تردید داشته باشیم لکن شبهات متهم جایی است که مرتکب اساساً به حکم یا موضوع بی‌اطلاع است. در قانون جزای نمونه آمریکار در ماده (۱) ۱/۰۵ چنین آمده است.

No behavior constitutes an offence unless, it is a crime or violation under this code or another statute of state.

"هیچ رفتاری جرم نیست مگر آن رفتار طبق این قانون یا سایر قوانین موضوع جرم شناخته شود" بنابراین به روشنی پیدا است که مفهوم شبهات با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در نظام کیفری آمریکا متمایز می‌باشد.

۴-۲- شبهات و اصل برائت

یکی از اصولی که تاحدی با مقوله شبهات و تردید هم پوشانی دارد و نیز از حیث پاره‌ای موارد، تمایز دارد، اصل برائت است. اصل برائت یکی از اصول عملیه است. که مجرای آن شک در تکلیف است. مطابق با این اصل هیچ حکم تکلیفی (حرمت یا وجوب) وجود ندارد و ارتکاب هر رفتار جایز و مباح است مگر نصی آن عمل را نهی کرده باشد (بهبهانی، ۱۴۱۱، ص ۲۷۴) و (بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۴۳) البته از آنجا که قاعده درامین شبهات است، چنانچه مجرای شبهات، عنصر قانونی باشد، با اصل برائت یکی است (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۸۷) اما با بررسی بیشتر می‌توان دریافت که اصل برائت و قاعده درآ از جهاتی با یکدیگر متفاوت هستند. لازم به ذکر است که اصل برائت با معادل آن در اصول فقه متفاوت است لذا برائت فقهی با برائت حقوقی یکسان نیست و صرفاً مشترک لفظی می‌باشند. تفاوت‌های این دو اصل به شرح ذیل است:

۱. مجرای برائت در علم اصول، شک در تکلیف است در حالی که قاعده در دافع مجازات است و شک و جهل مرتکب به حکم یا موضوع با تردید در اصل وجود حکم تکلیفی متفاوت است.

۲. برائت در مفهوم حقوقی به این معنا است که هیچ کس مرتکب هیچ جرمی نشده است، مگر خلافش ثابت و محرز گردد (اصل ۳۷ قانون اساسی) بنابراین اثبات وقوع جرم و تحقق عنصر مادی آن با شاکی یا دادستان است. لذا در مقام شک در اثبات، اصل بر برائت است. از این جهت اشتباهات و نقش آن در دادرسی با اصل برائت به کلی متفاوت است. زیرا شبهات حکمی و موضوعی متهم ناظر به تحقق جرم (عنصر معنوی) است. اما فرض برائت در آیین دادرسی صرفاً یک بحث شکلی است وزمانی به کار می‌آید که از حیث اثبات فعل مجرمانه (عنصر مادی) وانتساب آن به متهم، شک و تردید وجود داشته باشد. در نظام کیفری آمریکا نیز فرض برائت و اقامه دلیل از سوی شاکی یا دادستان در قوانین موضوعه انعکاس یافته است. طبق ماده ۱۲/۱۰ قانون جزای نمونه هیچ کس مجرم نیست مگر آن که عناصر چنین جرمی و رای شک معقول ثابت و محرز شود و در صورت فقدان چنین دلیلی، بی‌گناهی مفروض است.

no Person may be convicted of an offence, unless each element of such offence is proved beyond reasonable doubt, in the absence of such proof, the innocence of defendant is assumed.

از این رو اثبات مجرمیت به عهده دادستان است (Mscheb, 2007, p: 75). طبق ماده (۱) ۱/۱۲ قانون جزای نمونه در صورتی که متهم نتواند دلایل وجود موانع مسئولیت کیفری اقامه کند، به بزه انتسابی محکوم می‌گردد.

2) Subsection (1) of this section doesn't: a) require the disproof of an affirmative defense, unless and until, There is evidence supporting defence

یعنی جهت برائت لازم نیست که شرایط مسئولیت کیفری ثابت نشود (عقل، بلوغ، اختیار) بلکه این موانع مسئولیت کیفری است که باید به موجب دلایل ومدارکی که مثبت این امور است اثبات و مدلل گردد. از طرف دیگر در پاره‌ای از جرائم که به جرائم با مسئولیت مطلق موسوم می‌باشند، اصولاً وجود عنصر معنوی شرط نیست. همچنین در جرائم علیه امنیت عمومی نظر به این که سوءنیت مفروض است لذا بار اثبات معکوس می‌باشد و برخلاف اصل برائت است. در حالی که قاعده درأ دافع مجازات است. به عبارت دیگر در صورت عمل به مفاد قاعده درأ متهم نباید کیفر شود؛ لکن اصل یا فرض برائت به معنایی که در آئین دادرسی کیفری است، در این دسته از جرائم اجرا نمی‌گردد.

به عنوان مثال در دعوای D.p.p.v.h در مرحله بدوی متهم به دلیل جنون از اتهام رانندگی در حالت مستی تبرئه گردید. لکن در مرحله تجدید نظرخواهی دادگاه رای داد که در خصوص جرائم با مسئولیت مطلق از جمله رانندگی در حالت مستی از جمله رانندگی در حالت مستی، جنون بی‌تاثیر است. (Padfiled c.f, 2004, page s47)

۳-۴- شبهات واصل تفسیر به نفع متهم

از میان اصول حقوق کیفری، اصل تفسیر مضیق یا تفسیر به نفع متهم اصلی است که هنگام شک و شبهه قاضی در مجرم بودن متهم و شک وی در مقام تفسیر نصوص قانونی، مطرح می‌شود. در واقع یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، تفسیر مضیق است. طبق این اصل اگر درباره شمول احکام و نصوص جزائی و انطباق آن بر مصادیق مختلف شک و تردید داشته باشیم، باید به قدر متیقن و حداقل مصادیق آن جرم قائل شویم. پرسش اساسی این است که نسبت و تعامل شبهات با این اصل چیست؟

در ابتدای امر می‌توان به وحدت مجرای این دو قائل بود. به این بیان که چنانچه متهم در شمول حکم کیفری یا وصف جزائی فعل یا ترک فعلی و یا شمول الفاظ قانونی نظیر فعل حرام، تحصیل نامشروع مال، تشویش اذهان عمومی و نظایر آن شک و تردید داشته باشد، مجازات منتفی است اصل تفسیر مضیق یا محدود نیز به همین معنا است. لکن می‌توان به یک تفاوت اساسی و مهم میان شبهات متهم واصل تفسیر مضیق پی برد. اولاً: شبهات حکمی و موضوعی نزد متهم ناظر به مرحله تکوین و تحقق جرم است. در حالی که اصل تفسیر به نفع متهم تنها

ناظر به شک در شمول احکام و نصوص کیفری است. ثانیاً: زمانی اصل تفسیر به نفع متهم اجرا می‌شود که در احراز مقصود و نظر قانونگذار شک داشته باشیم اما شبهات متهم خصوصاً شبهه حکمی به این معنا است که وی در هنگام ارتکاب جرم، به حکم یا موضوع جاهل بوده است. لذا چنانچه دادرس در مقام رسیدگی و نیز در شمول نصوص جزائی به مصداق خاصی و به عبارت دیگر بر سر مجرمانه بودن رفتاری تردید داشته باشد، وی مکلف است طبق اصل تفسیر به نفع متهم، متهم را تبرئه کند. البته می‌توان اصل تفسیر به نفع متهم را یکی از مجاری شبهات قضایی دانست (HALL, 2002, P: 303). در نظام کیفری آمریکا نیز "لزوم اثبات بدون تردید و رأی شک معقول" و دلایل اقماعی و یقین آور جهت اثبات مجرمیت، اموری راهبردی هستند که در ماده (۱/۰۱۲) به آنها اشاره شده است. و هر گونه شک و تردید مانع اثبات مجرمیت است و ملاً مواد قانونی به سود متهم تفسیر می‌گردد (m. s. cheb, 2007, p: 80).

نتیجه‌گیری

مفهوم شبهات در دو نظام کیفری ایران و آمریکا و نیز رویه قضایی به عنوان یکی از موانع تحقق جرم و مسئولیت کیفری مورد قبول است و به‌عنوان یک دفاع از طرف متهم مسموع است. در نظام کیفری آمریکا نیز این امر و ضرورت احراز علم مرتکب در زمان ارتکاب جرم به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است. اگرچه تقسیم‌بندی اشتباهات حکمی به قصوری و تقصیری در هر دو نظام وجود دارد، اما نظیر این تقسیم‌بندی در حقوق کیفری آمریکا در عرصه شبهات موضوعی نیز وجود دارد. درحالیکه در نظام کیفری ایران، تقسیم‌بندی شبهات به قصوری و تقصیری تنها در عرصه شبهات حکمی است و درزمینه شبهات موضوعی قانون صراحت ندارد. نقطه اشتراک دیگر در هر دو نظام کیفری ایران و آمریکا این است که علی‌القاعده ادعای اشتباه حکمی مسموع نیست مگر آن که مدعی (متهم) بتواند ثابت کند که به جهت شرایط خاصی، فاقد امکان کسب علم و آگاهی از قانون بوده است و از مفاد قانون بی‌اطلاع بوده است. البته در حدود شرعی، صرف ادعای اشتباه حکمی به شرطی که یقین برخلافش نباشد، مسموع است و نسبت به پذیرش آن تسامح بیشتری وجود دارد.

یکی از تفاوت‌های اساسی و مهم حقوق کیفری ایران و آمریکا و فقه جزائی اسلام این است که نحوه تاثیرگذاری شبهات در حقوق کیفری ایران به تبع موازین فقهی در زمینه مسئولیت کیفری و موانع آن با نظام کیفری آمریکا متفاوت است. به این معنا که چنانچه قاضی در حدود (مجازات‌های اسلامی) نسبت به عقل و بلوغ و اختیار مرتکب، تردید و شبهه داشته باشد، مجازات منتفی است و این شاکی است که باید اختیار متهم را ثابت کند. اما در حقوق کیفری آمریکا

اثبات جنون و اکراه با متهم است. در حالیکه در فقه جزائی اسلام و در حدود اسلامی ادعای اکراه تا حدی که مقرون به صحت باشد و یقین بر خلاف آن نباشد، مسموع می‌باشد و در نتیجه مجازات منتفی است. البته در حقوق کیفری ایران نیز در قلمرو جرائم تعزیری اصل بر اختیار متهم است و او باید اکراه خود را ثابت کند و از این حیث میان نظام کیفری ایران و آمریکا شباهت وجود دارد. همچنین عدم صدور حکم مجازات در فرضی که دادگاه نسبت به اصل وقوع جرم دچار شک و تردید باشد و دلایل شاکای یا مدعی العموم نتواند بر دلایل و دفاعیات متهم، غلبه کند، یکی دیگر از وجوه مشترک دو نظام کیفری ایران و آمریکا است. روح و مفاد شبهات، مساله ای است که اختصاص به مجازات‌های شرعی (حدود) ندارد بلکه در همه جرائم قابل اجرا است و حقوق آمریکا نیز از این جهت با نظام کیفری ایران هماهنگ است. از این رو فرض بر اثبات مجرمیت توسط شاکای یا دادستان از وجوه مشترک هر دو نظام است.

تفسیر به نفع متهم در مقام شک و تردید قاضی در احراز جرم نیز، یکی دیگر از نقاط مشترک دو نظام کیفری ایران و آمریکا است.

معیار نوعی و شخصی در مقوله شبهات، دو ضابطه‌ای است که در رویه قضایی آمریکا و در جرائم گوناگون مشهود است، لکن نظام کیفری ایران فاقد قاعده مشخص و تعریف شده‌ای در این خصوص می‌باشد. در حالی که در فقه اسلام به ویژه در مبحث حدود، توجه به معیار شخصی و وضعیت و شرایط متهم، بیشتر مورد توجه است. با عنایت به نتایج فوق الذکر به نظر می‌رسد که اصلاح قوانین جزایی حول سه محور اساسی، حائز اهمیت است.

۱- تقسیم‌بندی شبهات به بسیط و مرکب در مقررات کیفری به صراحت پیش‌بینی گردد و به آثار و تفاوت‌های آن نیز اشاره گردد تا بر این اساس مجازات تابع میزان و غلظت عنصر معنوی جرم باشد

۲- شبهات موضوعی و مراتب آن و نیز استثناهای وارد بر آن به‌عنوان امری که متهم در مقام دفاع به آن استناد می‌کند، در قوانین تصریح گردد.

۳- جهت پایان بخشیدن به اختلاف آراء و تفاسیر گوناگون، ضرورت دارد که مقنن معیار نوعی و شخصی و جایگاه آن را در زمینه شبهات حکمی و موضوعی بیان کرده و حدود و چهارچوب آن را ذکر کند.

- ۱- آقائی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم- تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- ۲- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- ۳- البحرانی، یوسف ابن احمد، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- ۴- حاجی ده آبادی، احمد، قواعد فقه جزائی، تهران، پژوهشگاه حوزه دانشگاه، ۱۳۸۷.
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ق.
- ۶- حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن یحیی بن سعید هذلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام جلد چهارم، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
- ۷- حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام الی معرفه الحلال و الحرام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
- ۸- حلی، محمد بن حسن، فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد- جلد چهارم قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
- ۹- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، انتشارات موسسه آثار امام خوئی، ۱۴۰۰ق.
- ۱۰- خمینی (امام) روح الله، تحریر الوسیله - جلد دوم قم، انتشارات دار العلم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۱- زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۱۲- سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی- جلد اول تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۱۳- شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی جلد دوم، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- ۱۴- صدوق، محمد بن علی بن حسن بن موسی ابن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه بیروت، انت د، ۱۴۰۰ق.
- ۱۵- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی الفقه الامامیه قم، موسسه نشر الاسلامی قم، ۱۴۲۰ق.
- ۱۶- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، شهید ثانی، مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام موسسه المعارف الاسلامیه ۱۴۱۹ق.
- ۱۷- کاتوزیان ناصر، مقدمه علم حقوق_ تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران_ انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- ۱۹- با بسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.
- ۲۰- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه ۴ (جزائی) تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۲۱- مجموعه نظریات مشورتی اداری حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۶.

- ۲۲- نوریها، رضا، زمینه جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ۲۴- ولیدی محمد صالح، با بسته‌های حقوق جزای عمومی انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- ۲۵- الوحید البهبهانی- باقر، الرسائل الفقهیه، موسسه علامه المجد و الوحید البهبهانی، ۱۴۱۱ق.
- 26- Fletcher, George, "Basic Concepts of Criminal law", Third Edition, Boston Little brown, 2006.
- 27- Glanvil, williams, " Textbook of Criminal law", Second Edition, Sweetland and Maxwell, 2005.
- 28- Glozebook, D. R-Studies on Criminal law foundation press. 2002
- 29- Hall, Jerome, " General Principals of Criminal Law", The Law book exchange L.t.d, 2002
- 30- Kaplin. Jhon, "Criminal law Cases and materials", Wolterskluver, Aspen Casebook series, 2001.
- 31- Lafave, R.wayn, "The mental states in Criminal law", Second Edition, University of Illinois, 1980.
- 32- M.s.Cheb, Jhone, "Criminal law", Second Edition , an International Thomson publishing company, 2007
- 33- Ormerd, David, smith, "Criminal law" Eleventh Edition, Oxford University Press, 2012.
- 34- Padfield, C. F, "Law made simple", Oxford University press, 2004.
- 35- Smith & Hagan, "Criminal law", Oxford University press, 2005.
- 36- Spark, Jhon, "practical approach to Criminal process", Oxford University Press, 2006.
- 37- W.nebuare, David, "American courts and criminal justice system", American law institute press, 2007.